

تأثير انقلاب اسلامي ايران بر عربستان

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر عربستان

عربستان محل نزول قرآن و خاستگاه نبی مکرم و دین مبین اسلام است. این سرزمین با در اختیار داشتن خانه خدا در مکه و مسجد و قبر پیامبر در مدینه، کانون تقدیس و توجه همه ی مسلمانان جهان است. دولت سعودی نیز مبتنی بر آموزه های وهابیت و سلفیت، مدعی نوعی نظام اسلامی است. در گذشته مسلمانان از اجرای برخی از شرایع اسلام در آن کشور با اعجاب و تکریم سخن می گفتند. از جمله ادای نماز به جماعت و در مساجد و تعطیل کسب و کار در هنگام اقامه نماز، محجه بودن زنان، آشکار نبودن منکرات و منهیات، محدودیت شدید مطبوعات و رادیو و تلویزیون و در مورد مسائل خلاف اخلاق، جاری شدن حدود اسلامی مانند قطع دست دزد و .. مورد توجه زوار و حاجیانی بود که از اقصی نقاط بلاد اسلامی به عربستان می رفتند.

عربستان محل نزول قرآن و خاستگاه نبی مکرم و دین مبین اسلام است. این سرزمین با در اختیار داشتن خانه خدا در مکه و مسجد و قبر پیامبر در مدینه، کانون تقدیس و توجه همه ی مسلمانان جهان است. دولت سعودی نیز مبتنی بر آموزه های وهابیت و سلفیت، مدعی نوعی نظام اسلامی است. در گذشته مسلمانان از اجرای برخی از شرایع اسلام در آن کشور با اعجاب و تکریم سخن می گفتند. از جمله ادای نماز به جماعت و در مساجد و تعطیل کسب و کار در هنگام اقامه نماز، محجه بودن زنان، آشکار نبودن منکرات و منهیات، محدودیت شدید مطبوعات و رادیو و تلویزیون و در مورد مسائل خلاف اخلاق، جاری شدن حدود اسلامی مانند قطع دست دزد و .. مورد توجه زوار و حاجیانی بود که از اقصی نقاط بلاد اسلامی به عربستان می رفتند.

فرصت ها و تهدیدها

موقعیت های فوق به اضافه در آمد مستمر و فزاینده نفت، قدرت، ثروت و رفاه چشمگیری برای دولت و ملت عربستان فراهم کرد. بنابراین نفت و «اسلام» مهم ترین فرصت و سرمایه ی این کشور بود تا امنیت خود را در منطقه حفظ کرده و تا حدودی در جهان عرب و دنیای اسلام خواهان رهبری و مرکزیت باشد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران که خود به نوعی بر دو بال اسلام و نفت حرکت می کرد، موقعیت ممتاز عربستان را به سرعت و شدت به چالش طلبید. انقلاب ایران مبتنی بر اسلام و انگیزه ها و اهدافش اسلامی بود و بر همین اساس شعارهای مترقیانه و مردم پسندی چون نفی شرق و غرب، آزادی قدس و نفی استبداد و حق و رأی مردم و ... سر داد. این شعارهای جاذب و گیرا، دولت های مانند عربستان را کاملاً منفعل می کرد. همچنین ایران در آن سال ها هم پای عربستان با ظرفیت روزانه شش میلیون بشکه نفت، بزرگ ترین صادر کننده نفت خام محسوب می شد و این امر برای امنیت انرژی غرب، حیاتی و اساسی بود. انقلابیون با کشاندن اعتصاب به صنعت نفت و تحریم صادرات آن، به موجودیت شاه ضربه ی اساسی وارد کرده و حامیان غربی او را تکان دادند. یکی از اعتراضات شدید امام خمینی به حکومت شاه در مورد نحوه تولید، فروش و هزینه کردن درآمدهای حاصله از نفت بود.

لذا با پیروزی انقلاب اسلامی، این سرزنش متوجه دولت-های نفت-خیزی چون عربستان شد که با هم-دستی کمپانی-های غربی، مخازن خدا داد و ارزشمند جهان اسلام را غارت کرده و ارز حاصله را نیز عمدتاً به جیب غربی-ها می-ریزند. رهنمود انقلاب آن بود که نفت نیز از ارکان قدرت اسلام است و باید مطابق مصالح امت اسلامی، تولید و صادر شده و درآمد آن نیز صرف عزت و تحکیم جامعه اسلامی شود. چنین تجویزهایی تهدیدی جدی برای دولت سعودی و غربی-ها بود و این خطر مطرح می-شد که امواج انقلاب، دولت-های نفتخیز را ساقط می-کند و کنترل این ماده حیاتی به دست اسلام سیاسی و رادیکال خواهد افتاد. سناریوی حداقل این بود که ایران قدرتمند اسلامی به عنوان مهم-ترین عضو اوپک، ملاحظات سیاسی و انقلابی خود را به اعضای اوپک تحمیل خواهد کرد. سناریوی بدبینانه-تر این بود که انقلابیون و اسلام-گرایان ایرانی به دلیل ضعف-های تجربی و بینشی نمی-توانند ایران پس از شاه را سر و سامان دهند و قدرت حاصله را نهادینه کنند، لذا کمونیست-ها و شوروی ها از این خلأ و گسست کمربند امنیتی سود برده و به منطقه نفتی خلیج فارس سرازیر خواهند شد و رگ حیاتی و نفتی غرب را در کنترل خود در خواهند آورد.

در عین حال انقلاب ایران فرصت هایی نیز برای عربستان فراهم می کرد: اولاً؛ با سقوط شاه به عنوان یک پایه اصلی سیاست دو ستونی آمریکا در حفظ امنیت خلیج فارس، عربستان می-توانست موقعیت قوی-تری نزد آمریکا به هم زند.

ثانیاً؛ ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نه می خواست و نه می-توانست روزی شش میلیون بشکه نفت تولید کند و لذا عربستان این فرصت را به دست آورد که به سرعت نفت خود را جایگزین کرده و خلأ ایران را در بازار نفت پر کند. این در حالی بود که بر اثر انقلاب اسلامی و تحریمهای نفتی که انقلابیون به عمل آورده بودند قیمت نفت از 13 دلار به بیش از 37 دلار رسیده بود. با چنین قیمت-هایی عربستان روزانه تولید قریب یازده میلیون بشکه نفت را نیز تجربه کرد و این یعنی انباشت مضاعف درآمد. به طوری که برای چند سال این کشور درآمدهای سالیانه بیش از یکصد میلیارد دلار به دست آورد که افسانه-ای است. با چنین تولید و ظرفیتی و با خطر توسعه امواج انقلاب به مناطق نفت-خیز، غرب به طور وسیع و جدی امنیت انرژی خود را در دست عربستان می-دید و طبیعی بود که امنیت و موجودیت آن دولت را تضمین نماید.

نمودهای تأثیر، واکنش شیعیان

اسلام سیاسی و شیعی ایران خیلی زود در عربستان تأثیر گذاشت و اتفاقاً این امر با مسأله نفت نیز کاملاً مرتبط و عجیب بود:

بعد از انقلاب ایران شورشی در عربستان ابتدا در میان شیعیان ایالات شرقی این کشور در منطقه میدان-های نفتی آغاز شد و مردم با پخش اعلامیه -هایی در مساجد به خانواده-ی سلطنتی حمله کردند و وعاظ به مخالفت با سلسله خاندان حاکم پرداختند به طوری که برای اولین بار در این حکومت به اصطلاح اسلامی، موضع دولت به عنوان حامی اسلام شکسته شد. عراق و عربستان با درسی که از انقلاب ایران آموخته-اند طی سال های اخیر با اعمال یک سیاست زیرکانه ی تشویق و تنبیه از رشد حرکت-های معترضانة جمعیت شیعه خود جلوگیری کرده-اند.

رابین رایت چگونگی تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان عربستان را چنین گزارش می کند: گهگاه اعلامیه های مخالف و نیز روزنامه-ها مطالب انتقادی علیه رژیم سعودی منتشر می-کردند. شعارهایی با مطالب موافق انقلاب اسلامی و مخالف آمریکا روی دیوارها نوشته می شد. یک مؤسسه حمل و نقل هلندی که مرتباً با بنادر نفتی در تماس بود از وجود دیرکردها

و کارشکنی های عمومی در کارها که به عقیده آن ها کار شیعیان بنیادگرا بود و یا به وسیله آن-ها سازماندهی می شد تا شرکت های غربی را بترساند خبر می داد. خشم و تنفر سعودی ها نسبت به بنیادگرایان مذهبی ایران به کینه تبدیل شد. سعودی ها در مقابل با ایران ملاحظه را کنار گذاشتند و شاهزاده نایف صریحاً گفت ایرانی ها که بعد از انقلابشان می گفتند دیگر ژاندارم منطقه نیستند حالا تروریست منطقه شده-اند. دیلیپ هیرو روزنامه-نگار پاکستانی اولین بازتاب-های انقلاب اسلامی در عربستان را در مناطق نفتی و شیعه- نشین چنین شرح می-دهد:

در 29 نوامبر 1979 (آذر 1358) گروه عظیمی از شیعیان متشکل از 400/000 نفر تحریم طولانی عزاداری عاشورا را شکستند و این برای مسؤولان زنگ خطری بود خصوصاً از جانب آیت الله خمینی، مراسم عاشورا همراه با تظاهرات در هشت شهر منطقه نفتی برگزار گردید. طی این وقایع بود که سازمان انقلاب اسلامی شیعیان شبه جزیره عربستان پدیدار گشت. عبدالعزیز حاکم حصاً بعداً اعلام کرد که شیعیان باید خود را با اصول و دکترین وهابی هماهنگ کنند. وی علیه شیعیان تبعیض-های زیادی اعمال کرد و آنان را از مشاغل آموزش و .. محروم ساخت.

بنابراین انقلاب اسلامی در همان اولین سال پیروزی خود موجب سیاسی تشکیلاتی شدن شیعیان عربستان که اتفاقاً در مناطق نفت-خیز آن کشور ساکن هستند گردید. برای فهم و توجیه عکس-العمل-های انفعالی باید نکات زیر را در نظر گرفت:

1. سیاست هویج و چخماق.

2. داخل و خارج.

در داخل؛ از یک سو تلاش شد که با سیاست تنبیه، معارضان شیعه محدود شوند و از سوی دیگر با سیاست تشویق، برخی امتیازات مادی و رفاهی به آنان داده شد تا رضامندی آنان حاصل شود.

اما در خارج؛ عربستان با حمایت از عراق و بازی با عرضه و قیمت نفت تلاش می-کرد ایران انقلابی را مهار نماید. بعضاً نیز با سیاست سازش و مدارا و امتیازدهی سعی می-کرد نظر مساعد دولت انقلابی را به دست آورده و آن را از حمایت شیعیان عربستان باز دارد. برخی همسویی-ها در مسأله خط مشی-های نفتی و برخی نرمش-ها در مقابل حج برائت را در این رابطه می-توان توجیه کرد.

بازتاب انقلاب اسلامی در عربستان به شیعیان محدود نشد، بلکه اهل سنت و وهابیون نیز در مقابل امواج اسلامی و انقلابی ایران جاذبه و دافعه -های چشمگیری از خود نشان دادند. مهم-ترین واقعه در این رابطه اشغال خانه خدا پس از مراسم حج سال 1360 می-باشد. تعداد کثیری از بنیادگرایان مسلح در مسجدالحرام موضع گرفتند و سرانجام با مداخله کماندوهای خارجی و بر جای ماندن تعداد زیادی کشته و مجروح، حادثه پایان پذیرفت. وقوع این حادثه در توالی و تقارن انقلاب اسلامی ایران می-تواند این فرضیه را قابل طرح نماید که قرائت تاریخی از سنت و وهابیت با چالش جدی روبرو شده بود و گروه--هایی از این جماعت در تلاش بودند با افکار و رفتاری نوین، الگوی قابل قبول-تری از مذهب و نظام خود مطرح نمایند.

حج برائت

مسأله دیگری که بر بخش مهمی از روابط انقلاب اسلامی و عربستان سایه انداخت، راهپیمایی و مراسم حج برائت می-باشد. امام خمینی همانند ابتکار راهپیمایی روز قدس، خواستار انجام مراسم حج با محتوای واقعی آن شد. این امر در واقع به منزله-ی احیای حج به

سنت ابراهیمی و نبوی بود که با طواف بر گرد خانه خدا و خدا محوری، همه‌ی قدرت‌های سلطه-گر و جبار و نفی و طرد می-شوند. شعارها و راهپیمایی ده-ها هزار حاجی ایرانی، خاطره-ی راهپیمایی-های عظیم انقلاب را که نقش اساسی در سقوط رژیم شاه داشت زنده می-کرد و حداقل کاربردش تداوم شور انقلابی در روح و جان حجاج ایرانی بود. اما شعارهای واحد و تجمع حجاج و وحدت و شکوه راهپیمایی حج برائت در مکه، در مقابل چشم صدها هزار حاجی از سراسر جهان اسلام و جهان می-توانست مبدل به کانون جوشانی برای صدور و تأثیر انقلاب اسلامی گردد. اقبال زوار کشورهای مختلف از این مراسم و توسعه و ترویج تدریجی آن مؤید مدعای فوق است. عربستان در مقابل این پدیده منفعل شده بود و طی چند سال، برخوردی کج-دار و مریض داشت. آزاد گذاشتن مراسم می-توانست انقلاب اسلامی را رواج داده و ارکان قدرت عربستان و بسیاری از دولت-های دیگر را تهدید نماید. سرکوب و برخورد راهپیمایی برائت نیز می-توانست خطرات و هزینه-های دیگر داشته باشد. بالاخره در تابستان 1366 این حرکت به خط قرمز رسید و راهپیمایی برائت در ماه حرام و حرم امن الاهی مورد هجوم قرار گرفت و قریب 400 زائر شهید شدند. این برخورد و فاجعه کم نظیر تاریخ اسلام در نهایت هزینه-ها و پی-آمدهای چندان بالایی برای عربستان نداشت. علت این امر را می-توان در وقایعی جستجو کرد که در توالی و تقارن این حادثه رخ داده؛

1. پس از فتح فاو در بهمن 1364 و نزدیک شدن نیروهای ایران به مرز عربستان و کویت، عربستان با پوشش استراتژی حفظ سهم بازار نفت، یک-باره عرضه نفت را افزایش داد و قیمت های نفت از بشکه ای 28 دلار به حدود بشکه-ای 8 دلار سقوط کرد. این امر فشار بسیار شدیدی به بودجه ایران وارد کرد و تداوم جنگ علیه عراق را با مشکل مواجه ساخت. در تمام طول سال 1365 ایران برای افزایش قیمت نفت مشغول تهدید و تحیب عربستان بود. با این اقدام قیمت نفت بالا نرفت، اما در رقمی بین 15 تا 18 دلار ماند. در عین حال مبادی تولید و صادرات نفت ایران از سوی عراق و با همکاری-های گوناگون اعضای شورای همکاری خلیج فارس به شدت بمباران شده و توان صادرات ایران ضعیف می-شد. با تداوم این امر در سال 1366 و 1367 قوای اقتصادی و ارزی ایران برای تداوم جنگ فوق-العاده تحلیل رفته بود. بنابراین بر خلاف سال-های اولیه جنگ، در سال 1366 نمی-توانست اقدام عربستان در کشتار حجاج را به صورت نظامی تلافی کرده و جبهه جنگ را از عراق به عربستان بکشانند.

2. پس از عملیات کربلای 5 در دی ماه 1365 در شرق بصره، یک بن بست نظامی برای تداوم عملیات ایرانی-ها در جنوب پدید آمد و تمایلات نه چندان آشکاری برای توسل به راه حل های سیاسی و بین-المللی بروز کرده بود. با این زمینه، تلاقی عمل عربستان با اقدام نظامی، گیرایی نداشت.

3. تداوم و توسعه جنگ نفتکش-ها در خلیج فارس که شاهرگ نفتی جهان صنعتی بود و تقاضای کویت برای اسکورت نفت-کش-هایش موجب شد آمریکا به همراه متحدانش و در پوشش سازمان ملل، در خلیج فارس حضور خود را رسمیت و توسعه دهد. لذا توسل به مقابله به مثل نظامی در برابر عربستان می-توانست موجب رویارویی مستقیم و تمام عیار نظامی ایران و آمریکا شود. البته این امر می-توانست یک فرصت و تهدید توأمان و بسیار قوی برای انقلاب اسلامی و صدور آن باشد.

4. با تصویب قطعنامه 598 شورای امنیت در تیرماه 1366 یعنی به فاصله کمی از کشتار حجاج، نوعی انزوای قابل توجه منطقه-ای و بین-المللی برای ایران ایجاد شد که نشان دادن عکس-العمل-های شدید در برابر عربستان می-توانست آن را تشدید نماید. به این ترتیب عربستان که می-توانست یکی از اولین و جدی-ترین آسیب-ها را در مقابل امواج انقلاب

اسلامی تجربه کند، با سیاست صبر و حوصله و با استفاده از جلو انداختن عراق در جنگ و بهره‌برداری از اهرم نفت و حمایت غرب، تاکنون این امواج را از سر گذرانده است. گراهام فولر در کتاب قبله عالم در این رابطه چنین می‌نویسد:

تب انقلاب ایران که با جنگ تهیج می‌شد نزدیک به یک دهه گرم باقی ماند. اما به نظر می‌رسد که از زمان آتش‌بس در 1988 اشتیاق نسبت به آن فروکش کرده است. در خلال چند دهه گذشته در حقیقت ریاض علیه نیروهای افراطی شامل جنبش ملی‌گرای عرب در خلال دهه‌های 50 و 60 و اسلام افراطی ایران در دهه‌ی 80 که تاکنون به طور ناموفقی به آن حمله‌ور شده یک موضع دفاعی به خود گرفته است. حکومت سعودی با چالش (امام) خمینی نسبت به حقانیت مذهبی-اش به-جای واکنش در مقابل اقدامات نظامی یا خرابکارانه بیسشتر به-طور زیرکانه بوده است.

البته عربستان چالش دهه‌ی 90 یعنی حمله‌ی عراق به کویت را نیز از سر گذرانده است و توانست به موجودیت خود تداوم دهد. این نکته‌ی قابل توجهی است که پژوهشگران سیاسی می‌توانند درباره‌ی آن به طور جدی تحقیق کنند. اما به هر حال باید دید توفیقات عربستان (یعنی حفظ و تداوم قدرت آل-سعود) از نظر داخلی و خارجی به چه بهایی تمام شده و چشم انداز آتی آن دولت چه خواهد بود؟ می‌بایست بررسی کرد که اینک سطح و عمق مقبولیت آن دولت در نزد مردمش به چه میزان رسیده و در بُعد خارجی نیز برای کسب حمایت آمریکا چقدر از دلارهای نفتی را هزینه کرده و تا چه حدودی استقلال و تصمیم‌گیری دولت-مردان سعودی را در مقابل منافع و خواسته‌های آمریکا محدود کرده است؟